

بررسی فرایند عدالت مالیاتی در نهج‌البلاغه

سهراب مروتی*

فرشته دارابی**

چکیده

هرچند مالیات، امری عمومی است که تمامی نظام‌های حکومتی با مؤلفه‌های معرفت‌شناسی متفاوت از آن بهره می‌گیرند، عدالت مالیاتی یکی از موضوعات پیچیده و دشوار مالی است که اختلاف‌نظرهای اساسی درباره آن وجود دارد. حکومت کوتاه و کارآمد امام علی(ع)، به‌عنوان الگوی عدالت از زوایای گوناگون، پیام‌هایی برای این امر مهم و اثرگذار دارد؛ پیام‌هایی که اجرا و به‌کارگیری آنها باعث می‌شود جامعه از سقوط در بی‌عدالتی و ظلم رهایی یابد.

در این پژوهش سعی شده است با ارائه تعاریف دقیقی از واژه مالیات و واژه‌های جایگزین آن در بیانات ارزشمند آن امام همام، چگونگی برنامه‌ریزی برای اخذ مالیات و راه‌های هزینه‌کردن آن تبیین و در پایان ضمن ارائه سیمای مالیات‌دهندگان، راهکارهای راهبردی برای عدالت‌گستری در اخذ مالیات عرضه شود.

کلیدواژه‌ها: عدالت مالیاتی، سیمای مالیات‌دهندگان، خراج، جزیه، خمس، زکات.

۱. مقدمه

اسلام، خواهان جامعه‌ای همدل و همسو است؛ جامعه‌ای که اعضای آن مانند پیکری واحد باشند و با داشتن روابط نزدیک و انسانی، فعالیت‌های همدیگر را پوشش دهند و تکمیل

* دانشیار دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) sohrab_morovati@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث fereshteh_darabi81@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۲۸

کنند. بی‌جهت نیست که در ایجاد پیوندهای قوی میان اعضای خانواده، فامیل، همسایه و برادر ایمانی تأکید زیادی شده است. چنین سفارش‌هایی، تمامی عرصه‌های زندگی را دربر می‌گیرد و در زمینه‌های مالی و مادی اثر مطلوب خود را بیشتر ظاهر می‌سازد، به طوری که افراد جامعه هم‌دل و هم‌نوا اسلامی، در عرصه اقتصاد و فعالیت‌هایی پرتلاش، یار و کمک‌رسان هم‌دیگرند؛ و خداوند بر ثروتمندان واجب می‌کند که از اموال خود به نیازمندان کمک کنند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ. (بقره/۲۶۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهای پاکیزه‌ای که به‌دست آورده‌اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده‌ایم، انفاق کنید.

بر این اساس، بر آوردن نیازهای فقرا، مساکین و زمینگیران به مقتضای عدالت و انصاف و نه به مقتضای «احسان» و «تفضل» اختیاری، وظیفه‌ای ضروری است. محل بر آوردن نیازهای فقرا، مساکین و زمینگیران، ثروت افراد برخوردار است؛ و دولت اسلامی که موظف به اجرای اصول عدالت توزیعی است، باید از راه اخذ مالیات از ثروتمندان و باز توزیع آن در میان فقرا، مساکین و زمینگیران، نیازهای اساسی آنها را برآورده سازد. هر چند عبادی بودن واجبات مالی مزبور، زمینه مناسبی برای پرداخت این وجوه فراهم می‌آورد، به مسئله اجرا حساسیت خاصی می‌بخشد و وظیفه مأمورن مالیاتی را در این رابطه سخت می‌سازد؛ زیرا هرگاه مؤدیان مالیاتی وظایف خود را به درستی انجام ندهند، هزینه‌های تمکین، حداقل برحسب زمان صرف‌شده برای اجرای مالیاتی، افزایش خواهد یافت.

شایان ذکر است که اداره مالیاتی هر کشوری، نشانه نظامی نهادی است که شهروندان براساس آن وظایف خود را در برابر دولت انجام می‌دهند، و لذا باید مؤثر و کارا باشد. اداره مالیاتی وقتی کاراست که به سطح بالایی از تمکین در بین شهروندان دست یابد؛ و نخستین هدف اجرا در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه باید رسیدن به تمکین اختیاری مؤدیان در بالاترین سطح باشد. بدین منظور، اداره مالیاتی باید به شهروندانی که به اجبار به پرداخت مالیات تن می‌دهند، روش‌هایی ارائه دهد که هزینه تمکین در برابر این اجبارها به حداقل برسد.

از آنجاکه در هر امر و کاری، به الگویی شایسته و کامل نیاز است، در این مقاله حکومت علوی بررسی شده است؛ زیرا حکومت کوتاه و مؤثر امیرالمؤمنین علی (ع) با وجود گذشت ۱۴ قرن، هنوز هم پرافتخارانه بر تارک تاریخ می‌درخشد. علت این است که

آن حضرت (ع) بر تمامی عرصه‌های حکومتی اشراف و آگاهی کامل داشتند. امام (ع) ضمن برشمردن راه‌های تقویت جامعه اسلامی، به امر مالیات هم اشاره کرده‌اند:

امر مردم جز با سپاهیان استوار نمی‌گردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردد و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازهای خود را برطرف کنند. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش: نامه ۵۳، ص ۵۷۹)

بر این اساس، در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای اسنادی فرایند مالیات در کتاب گرانقدر نهج البلاغه — که جامع سخنان و آموزه‌های امام علی (ع) است — توصیف و تحلیل شده است با این تمرکز که آن حضرت (ع) چه راهکارها و دستورالعمل‌هایی برای اخذ مالیات و به‌مصرف‌رساندن آن به‌کار می‌گرفتند.

۲. واژه‌شناسی

۱.۲ تعریف مالیات و اقسام آن

مالیات، از درآمدهایی است که دولت به دلایل و روش‌های گوناگون از مردم دریافت می‌کند:

مالیات سهمی است که به‌موجب اصل تعاون ملی و بر وفق مقررات، هر یک از سکنه کشور موظف است که از ثروت و درآمد خود به‌منظور تأمین هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اقتصادی یا سیاسی یا اجتماعی کشور به قدر قدرت و توانایی خود به دولت بپردازد. (دهخدا، ۱۳۷۷ ش: ج ۱۳، ص ۲۰۱)

مالیات در اسلام، در یک تقسیم‌بندی کلی، به مالیات‌های ثابت و متغیر حکومتی تقسیم می‌شود.

۲.۲ مالیات‌های ثابت

مالیات‌های ثابت، مالیات‌هایی است که به‌طور ثابت و مستمر اخذ می‌شود و برای توازن عمومی به‌مصرف می‌رسد (صدر، ۱۳۵۷ ش: ۳۴۴)؛ منظور، مالیات‌هایی است که نسبت، مقدار، مورد وضع و راه‌های مصرف آن در متن احکام اسلامی تعیین می‌شود و مصداق‌های روشن آن عبارت‌اند از: خمس، زکات، جزیه و خراج.

۱.۲.۲ خمس

خمس در زمان امام علی (ع) به غنیمت‌های جنگی اطلاق می‌شد (حائری، ۱۴۱۸ ق: ۳۷۵)؛

شهابی، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ص ۴۷۱؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ص ۱۸۶؛ و از آنجا که در زمان آن حضرت (ع)، از غنیمت‌های جنگی زمان عثمان و عمر خبری نبود — زیرا سه جنگ عمدهٔ جمل، صفین و نهروان که در زمان خلافت آن امام (ع) روی داد، هر سه داخلی بودند و غنیمت‌گرفتن در آنها جایز نبود، و در مواردی نادر که جوهری از خمس به دست می‌آمد، با رضایت اهل بیت پیامبر (ص) بر مصالح اهم و برای رفع فتنه‌هایی که میان اسلام را تهدید می‌کرد، صرف می‌شد (بیهقی، ۱۳۷۸ش: ج ۶، ص ۵۵۸) — عمدهٔ مالیات‌های زمان امام علی (ع) عبارت بودند از: زکات، جزیه و خراج.

۲.۲.۲ زکات

از مادهٔ «زکا» — به معنی «تطهیر» و «پاک‌ترین» — است (طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ص ۲۰). در کتاب *لسان عرب آمده* است: زکات در اصطلاح نوعی مالیات است که از اموال مردم گرفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۳۵۸).

در سال هشتم هجری، که پایه‌های حکومت اسلام در جزیرهٔ عربستان تثبیت شده بود، حکم زکات با آیهٔ شریفهٔ زیر تشریح شد:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا. (توبه/۱۰۳)

از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا با آن، آنها را پاک و پاکیزه سازی.

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

مخاطب این آیه، پیامبر (ص) است که خداوند به ایشان دستور داده قسمتی از اموال مردم را — که به عنوان صدقه (زکات) است — بگیرد تا بدین وسیله مالشان پاک شود. (طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ج ۹، ص ۵۱۲)

زکات بدین سبب واجب شد که خداوند افراد تندرست را موظف کرده است به کار مردم زمینگیر و گرفتار رسیدگی کنند، در ضمن پرداخت زکات موجب برکت مال است، و سبب رأفت و مهربانی به ناتوانان و عطف توجه به مسکینان، و انگیزش مردم به مساوات، و تقویت فقرا و مدد رساندن به آنان در انجام دادن تکالیف دینی است. (حکیمی، ۱۳۸۰ش: ج ۶، ص ۴۲۲)

در زمان حکومت امام علی (ع)، هر چند حضرت (ع) با سیاست‌هایی که به کار گرفته بودند، مردم دادن مالیات را عبادت تلقی می‌کردند، به استناد آیهٔ ۱۰۳ سورهٔ توبه — که در آن، خداوند با فعل امر «خذ» به پیامبر (ص) دستور دادند مقداری از اموال مردم را به عنوان

زکات بگیرد — مأمورانی را به گرفتن زکات از مردم موظف کردند؛ بنابراین، زکات هم به‌مثابه مالیات‌های کنونی از مردم گرفته می‌شد و چنین نبود که مردم آن را نپردازند.

۳.۲.۲ جزیه

در کتاب *مفردات* آمده است: واژه «جزیه» از «اجزاء» یعنی «راضی بودن» گرفته شده است؛ زیرا اهل کتاب در برابر مصون بودن مال، جان، و خویشان، آن مالیات را با رضایت می‌پردازند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ص ۳۹۶). همان‌طور که در آیه شریفه زیر آمده است:

حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ. (توبه/۲۹)

تا با [کمال] فروتنی به دست خود جزیه دهند.

در *نهج البلاغه* نیز در تعریف «جزیه» چنین آمده است:

جزیه، مالیات ویژه‌ای است که از اهل کتاب ساکن سرزمین‌های اسلامی دریافت می‌شود؛ و دولت اسلامی در برابر حفظ جان و مال این‌گونه شهروندان، آنان را به پرداخت این مالیات متعهد می‌کند. (*نهج البلاغه*، ۱۳۷۹ش: نامه ۵۳، ص ۵۳۰)

جزیه به‌صورت مالیات سرانه قرار داده شده است، که به‌موجب آن از هر نفر از اهل کتاب، سالیانه مبلغی دریافت می‌شود؛ همچنین ممکن است به‌صورت مالیات بر اراضی تحت تصرف آنان وضع شود (علامه حلی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۴۴۱). اهل کتاب در صورت مسلمان شدن، از پرداخت این مالیات معاف خواهند بود؛ البته مانند سایر مسلمانان مشمول زکات و خمس می‌شوند (کلاتری، ۱۴۱۶ق: ۱۵).

امام علی (ع) همواره با جزیه‌دهندگان با عدالت و انصاف رفتار می‌کردند و هیچ‌گاه اجازه نمی‌دادند وسایل ضروری زندگی را از ایشان به‌عنوان مالیات بگیرند (ابن شعبه، ۱۳۸۲ش: ۲۷۵؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۲۲۳). آن حضرت (ع) از نابینایان، پیرمردان، زنان و کودکان جزیه نمی‌گرفتند (ابن بابویه، ۱۳۶۷ش: ج ۲، ص ۳۵۶).

جزیه در زمان پیامبر (ص) به مهاجران مسکین تعلق داشت و بعد از ایشان این نوع مالیات به امام مسلمین سپرده شده است تا برای مواردی که صلاح می‌داند، صرف کند (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق: ۲۳۴؛ امام خمینی، ۱۳۷۹ش، ج ۴؛ کلاتری، ۱۴۱۶ق: ۴۱).

۴.۲.۲ خراج

خراج از ماده «خرج» به‌معنای «مزد» و «اجر» است (قرشی، ۱۳۷۱ش: ج ۲، ص ۲۳۵؛

فراهیدی، ۱۴۱۰ ق:ج:ع، ص ۱۵۹)؛ و در اصطلاح، نوعی مالیات بر زمین است (طریحی، ۱۳۷۵ ش:ج:ع، ص ۲۹۴؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۲۶ ق:ج:ع، ص ۲۰؛ شرقی، بی تا: ۴۹۷).
از نظر ابن منظور، خراج مقدار مالی است که سالانه از اموال مردم گرفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق:ج:ع، ص ۲۹)؛ و در اصطلاح فقهی، نوعی مالیات است که حاکم از اجاره اراضی مفتوحه العنوه وصول می‌کند، چراکه این نوع اراضی ملک همه مسلمانان است و هر کس بخواهد از آنها استفاده کند، باید اجاره آنها را به ولی مسلمین بپردازد (محقق کرکی، ۱۴۱۳ ق:ج:ع، ص ۶۱).

در نهج البلاغه آمده است: خراج مالیاتی است که از زمین کشت شده یا قابل کشت گرفته می‌شود و میزان آن در دوره‌های مختلف حکومت اسلامی و نیز در ایالت‌های عراق، مصر، حجاز و افریقا متفاوت بوده و تغییر می‌کرده است (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش: نامه ۵۳، ص ۵۳۰).
بنابراین، خراج عبارت است از مالیات بر اراضی و از قدیمی‌ترین انواع مالیات است که تاریخ بشر از آن اطلاع دارد (جمشیدنژاد، ۱۳۸۵ ش: ۱۲۹).

۳.۲ مالیات‌های متغیر

با توجه به گستردگی مسئولیت‌ها و وظایف دولت اسلامی در سرزمین‌های اسلامی، در زمینه‌های اسلامی، اجتماعی و اقتصادی، طبیعی است که مالیات‌های ثابت اسلامی — مانند خمس و زکات — برای اداره حکومت و تأمین هزینه‌ها جهت نیل به اهدافی که ترسیم شده است، کافی نباشد. از این رو، از دیدگاه فقهی، حاکم اسلامی بر اساس ولایت و حق اولویتی که بر جان مؤمنان دارد، به استناد آیه زیر، از خودشان سزاوارتر است:

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ. (احزاب/۶)

پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیک‌تر] است.

علامه در تفسیر این آیه فرموده‌اند: منظور از «انفس»، خود مؤمنین است، پس پیامبر (ص) اختیاردار مؤمنین است؛ و معنای اولویت این است که فرد مسلمان هر جا امر دائر دید، باید منافع رسول خدا را مقدم بدارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۶، ص ۴۱۳). بنابراین، حاکم شرع در اموال مردم حق دارد تا در صورت صلاح دید، بخشی از اموال آنان را به عنوان مالیات دریافت کند؛ و تعیین میزان این نوع مالیات از اختیارات ولی امر مسلمین و حاکم شرع است، که وقتی خزانه دولت خالی باشد مالیات‌هایی را بر ثروتمندان وضع کند (منور،

۱۳۸۸ش: ۵۸). چنان‌که از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل شده است، امیرالمؤمنین(ع) بر اسب‌های عتاق(از نژاد اصیل) سالانه دو دینار، و سایر اسب‌ها سالانه یک دینار وضع کردند(کلینی، ۱۳۶۹ش: ج ۳، ص ۵۳۰).

۴.۲ تعریف عدالت

از عدالت تعاریف مختلفی شده است؛ از جمله: عدل و عدالت به معنی مساوات است، چراکه تقسیم به‌طور مساوی، عدل است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵ش: ۵۵۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۱، ص ۴۳۲)؛ عدالت در لغت یعنی اینکه احوال متساوی و متعالی باشد (طوسی، ۱۳۶۳ش: ج ۷، ص ۲۱۷)؛ عدالت یعنی نیرویی که به‌موجب آن، هر حق‌داری به حق خود برسد و در جایی که شایسته است، قرار بگیرد (طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ج ۷، ص ۲۷۱).

واژه «عدل» بارها در قرآن به‌کار رفته است؛ از جمله در آیه شریفه زیر:

اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى. (مائده/۸)

عدالت پیشه کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است.

که در تفسیر این آیه آمده است: عدالت، وسیله رسیدن به تقواست (طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ج ۵، ص ۳۸۴).

امیر مؤمنان علی(ع) نیز عدالت را چنین تفسیر می‌کنند:

عدالت هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد و سخاوت آن را از جهتی که دارد، بیرون می‌آورد. عدالت، رهبری همگانی است و سخاوت عارضه‌ای است محدود؛ پس عدالت شریف‌ترین و بهترین این دو صفت است. (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ش: حکمت ۴۳۷)

ابن‌سینا می‌گوید: عدالت و عدل است که قوانین شرع را حفظ می‌کند(ابن‌سینا، ۱۴۳۰ق: ج ۶، ص ۴۴۱). ایشان تأکید می‌کنند که باید بین انسان‌ها معامله(قرارداد) و عدل وجود داشته باشد(ابن‌سینا، ۱۳۷۵ش: ج ۴، ص ۶۱).

شهید مطهری نیز در این باره می‌فرماید:

عدالت یعنی اینکه قانون، افراد را به یک چشم نگاه کند، میان آنها تبعیض قائل نشود، و رعایت استحقاق آنها را نیز بنماید. (مطهری، ۱۳۷۳ش: ج ۱، ص ۲۳۱)

در این تعاریف، با وجود اختلاف، به یک حقیقت اشاره شده و آن تقسیم شایسته و رسیدن حق به حق‌دار است؛ همان‌طور که حضرت علی(ع) همواره به کارگزاران تأکید

می کردند که حق را درباره همه افرادی که سزاوار آن‌اند، چه دور و چه نزدیک، اجرا کنند، و حتی اگر بر اثر اجرای حق به خویشاوندان و نزدیکانش مرارت و تلخی برسد، به خاطر دستاورد آن — که قرب به خدای متعال است — بردبار و شکیبیا باشند (ابن میثم، ۱۳۷۴ش: ج ۵، ص ۲۸۵).

۳. اهمیت و جایگاه مالیات

بدون شک، آنچه به یک جامعه اسلامی قوام و دوام می‌دهد، درکنار مسائل عقیدتی و معنوی، مسئله اقتصادی است؛ پس در یک جامعه اسلامی، از زور و غارت خبری نیست و افراد با خواست و اراده خود، قسمتی از اموال خویش را به حاکم اسلامی می‌بخشند. مالیات، امری حساس و مهم تلقی می‌شود؛ به همین دلیل، امام علی (ع) در برشمردن راه‌های تقویت یک جامعه اسلامی، به مالیات هم اشاره کرده‌اند: امر مردم جز با سپاهیان استوار نمی‌شود و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌گیرد که با آن برای جهاد با دشمن تقویت می‌شوند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه و نیازهای خود را برطرف می‌کنند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش: نامه ۵۳، ص ۵۷۹). در شرح این قسمت آورده‌اند: دولت اسلامی با اصلاح نظام مالیاتی می‌تواند سرمایه‌ها را در مسیر صحیح هدایت کند و با مالیات‌گیری درست، به کار و تولید در جامعه رونق دهد، از اختلاف زیاد درآمدها بکاهد، سرمایه‌داران ترفندباز و چموش را به حساب‌دهی وادارد، و با محدودسازی مصارف غیرضروری و جلوگیری از مصرف بی‌رویه، سدی در برابر اسرافکاری ایجاد کند و مانع از عیاشی‌ها و خوشگذرانی‌های بی‌حدومرز مرفهان نامتعهد و تربیت‌نایافته جامعه شود (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴ش: ۷۸-۷۷).

شیخ صدوق در این باره می‌فرماید: مالیات از طرف دولت برای حفظ نظام اسلامی وضع می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۶۷ش: ج ۲، ص ۳۵۴)، چراکه از اساسی‌ترین پایه‌های تثبیت حکومت و قوام دولت به‌شمار می‌رود. دولت باید در شئون مختلف سیاستگذاری کند و تمامی این شئون به پشتوانه مالی نیازمند است. دولت باید در تمامی ابعاد اداره کشور نیرومند باشد و این نیرومندی با پشتوانه مالی کافی فراهم می‌آید. به این ترتیب، هر کس باید به سهم خود در تقویت بنیه دولت و کسری‌های بودجه بکوشد؛ زیرا اگر در این راه کوتاهی شود، بی‌گمان دولت ناتوان می‌شود و در سیاستگذاری‌ها شکست می‌خورد و پیامدهای ناگوار آن دامنگیر ملت می‌شود.

از جمله دلایل دیگر اهمیت مالیات این است که مالیات در جامعه برای توازن اجتماعی و برطرف کردن تفاوت‌ها و جلوگیری از قرارگرفتن ثروت در دست یک گروه و یک طبقه خاص است؛ از سوی دیگر، دولت از مالیات‌هایی که جمع می‌کند، با دستگیری از افراد کم‌درآمد جامعه و فراهم کردن زمینه و ابزار کار و فعالیت‌های اقتصادی، زندگی آنان را به سطح بهتر و رفاه نسبی معقولی می‌رساند، در نتیجه زندگی طبقات مختلف جامعه را به یکدیگر نزدیک و در نهایت از نظر مصرف و بهره برداری از مواهب و نعمت‌های الهی در سطح واحد، البته با درجات متفاوت، قرار می‌دهد و بدین ترتیب توازن را به وجود می‌آورد. (حسینی ۱۳۸۰ش: ۳۵۰)

شایان ذکر است که اهمیت و جایگاه مالیات در جامعه اسلامی زمانی آشکار می‌شود که فرایند مالیات به طور کامل عادلانه باشد؛ از جمله اینکه: تعیین میزان و نوع مالیات‌های متغیر و نیز مشمولان مالیاتی باید عادلانه باشد، به همین منظور آن طبقات اجتماعی که درآمد یا ثروت آنها بیش از هزینه زندگی‌شان است باید مالیات مقررری بپردازند و هیچ صنف و قشری از آنها نباید مشمول معاف شود (کرمی، ۱۳۷۷ش: ۱۶۱)، همچنین از کسانی که درآمد آنان به اندازه تأمین هزینه زندگی‌شان نیست، نباید مالیات دریافت شود (صدر، ۱۳۵۷ش: ۵۸). از آنجا که امام علی (ع) برای تعیین مقدار زکات، به اندازه اموال توجه می‌کردند و به همان نسبت از مردم زکات می‌گرفتند و در مقدار خراج و جزیه نیز مقدار محصول و توانایی افراد در پرداخت مالیات را در نظر می‌گرفتند، عدالت مالیاتی هم اقتضا می‌کند که حاکمان از کسانی که از خدمات عمومی کشور استفاده بیشتری دارند، مالیات بیشتری دریافت کنند (کرمی، ۱۳۷۷ش: ۱۶۲).

بنابراین، در نظام مالیاتی اسلام، محاسبه دقیق امکانات جامعه و توان پرداخت افراد و شرکت‌ها، امری لازم است و شرایط مختلف زمانی در آن دخیل‌اند؛ و در هر حال، نظام مالیاتی باید براساس عدل و انصاف تنظیم شود و به گونه‌ای جهت یابد که در آن فعالیت‌های تولیدی و مثبت، اشتغالات سالم، آسیب نبیند و مانع از تورم نامعقول قیمت‌ها، افزایش شغل‌های کاذب و بحران در جامعه نشود.

۴. روش اخذ مالیات

مهم‌ترین مرحله در فرایند عدالت مالیاتی، نحوه وصول مالیات است؛ زیرا از نظر روانی، هیچ‌کس از پرداخت مالیات شاداب و خرسند نیست و با کراهت مالیات می‌پردازد. بنابراین،

اگر مأموران مالیات در اخذ مالیات، اخلاق اسلامی را رعایت کنند و مالیات را به‌عنوان وظیفه‌ای الهی بشناسانند و با تواضع و فروتنی با مالیات‌دهندگان برخورد کنند، مالیات‌دهندگان مالیات را با رضا و اراده می‌دهند؛ که اثرات چشمگیری در روابط مردم و دولت خواهد داشت. به همین دلیل، امام علی (ع) در ضمن نامه و سخنان گرانبایشان، چگونگی جمع‌آوری مالیات را به‌صورت مفصل شرح داده‌اند:

۱.۴ عدالت و پرهیز از ظلم

حضرت (ع) به یکی از مأموران مالیاتی می‌فرماید: عدالت را به‌کار گیر و از بی‌انصافی و بی‌عدالتی برحذر باش، که بی‌انصافی با مردم، آنان را به جلای وطن می‌خواند، و بی‌عدالتی به قیام مسلحانه (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش: حکمت ۴۷۶، ص ۴۷۳). در این سخن امام (ع) درس بزرگی نهفته است؛ چراکه ستمکشان و بیچارگان را به بازپس گرفتن حقوق خویش و اعمال قدرت تحریص می‌کند و راه خلاص شدن را — که همان اقدام به انقلاب دگرگون‌ساز است — به آنان نشان می‌دهد (حکیمی، ۱۳۸۰ش: ج ۶، ص ۴۸۱).

به همین جهت، امام علی (ع) مأموران مالیاتی را به ترس از خدا، حتی در آنجا که هیچ گواهی غیر از آنها و هیچ نماینده‌ای جز خدا نیست، سفارش می‌کند که با مردم تندخو نباشند و به آنها دروغ نگویند و با مردم به این دلیل که بر آنها حکومت دارند، بی‌اعتنایی نکنند؛ چراکه مردم برادران دینی و یاری‌دهندگان در استخراج حقوق الهی‌اند که باید امانت آنها را خوار نشمارند و دست به خیانت آلوده نکنند، که همانا بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به ملت است (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش: نامه ۲۶).

۲.۴ رعایت اصول اخلاقی در برخورد با مؤدیان

در آیین‌نامه‌هایی که امام (ع) به مأموران گردآوری مالیات نوشته‌اند، همواره بر رعایت نکاتی چون تأمین رضایت مؤدیان و عدم اجحاف بر آنان و خوش‌رویی و ملامت با آنان تأکید شده است. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش: نامه‌های ۲۵ و ۲۶)

حضرت (ع) در جای دیگر می‌فرماید: اگر برخلاف آنچه به تو فرمان دادم، از تو گزارشی برسد، برکنارت خواهم کرد. هرگز کسی را به‌هنگام درخواست چیزی خجل مسازید و کسی را از چیزی که طلب می‌کند، باز مدارید و برای گرفتن مالیات هرگز

توشه‌ای را که می‌خورد و لباسی را که در زمستان و تابستان می‌پوشد و حیوانی را که وسیله کارش است نفروشد و هیچ‌گاه لوازم ضروری زندگی را از او نگیرد! (ابن‌عساکر، ۱۳۸۴ش: ج ۳، ص ۱۹۸؛ حکیمی، ۱۳۸۰ش: ج ۲، ص ۴۷۹؛ مغنیه، ۱۴۲۷ق: ج ۴، ص ۸۶-۶۷).

به این ترتیب، تأثیر عدل، انصاف، راحت‌گرفتن و راضی‌بودن مالیات‌دهندگان بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه از عوامل پیشرفت سریع اسلام، رفتار صحیح و عادلانه هنگام گرفتن مالیات است.

۳.۴ تخفیف به مالیات‌دهندگان

امام (ع) به مأموران مالیاتی سفارش می‌کنند: اگر مردم از سنگینی مالیات یا آفت‌زدگی یا خشکسالی شکایت کردند، در گرفتن مالیات تا جایی که بعضی امورشان سامان یابد تخفیف بدهید (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ش: نامه ۵۳)؛ زیرا دهقانان از همه طبقات، زحمتکش‌تر و پرتلاش‌تر هستند و از سوی دیگر، زندگی آنان اسیر عوامل طبیعی و پدیده‌های جهان طبیعت — همانند خشکسالی، سیل و گرما — است، از این رو آنان نیاز بیشتری به توجه و همراهی حکومت دارند.

ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه نوشته است: استاندار اهواز، در حکومت انوشیروان، بیش از معمول، مالیات جمع‌آوری کرد و برای انوشیروان فرستاد. انوشیروان فرمان داد که آنها را به صاحبانشان مسترد کنند. پس گفت: زیادکردن ثروت شاه از مالیات نابه‌حق رعیت، همانند بناکردن سقفی است بر پایه‌های لرزان و سست (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۱۷، ص ۷۱؛ مغنیه، ۱۴۲۷ق: ج ۴، ص ۸۵).

امام علی (ع) می‌فرماید:

هرگز تخفیف‌دادن در مالیات، تو را نگران نسازد؛ زیرا مالیات، اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو و آراستن ولایت تو نقش دارد و رعیت تو را می‌ستاید، و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد و به افزایش قدرت آنان تکیه خواهی کرد. (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ش: نامه ۵۳)

ابن‌شعبه، در تفسیر این قسمت از فرمایش امام علی (ع) نوشته است: مبدا این تخفیف و کمک‌ها بر تو گران آید (و پنداری خزانه دولت تهی خواهد شد)؛ چه، این خود ذخیره‌ای است که با آبادشدن ملک و آراستگی مملکت دوباره به خزانه تو باز خواهد گشت، علاوه بر اینکه (با این رعیت‌پروری به‌جای جمع ثروت) مهر، محبت و حسن‌نیت آنان را به‌دست

خواهی آورد. و خراج چیزی نیست که با رنج و تعب به دست آید. این بزرگواری و گذشت، خود پیمانی است بین تو و رعیت که اگر حادثه‌ای رخ داد و به دستگیری آنان محتاج شدی، با اطمینان می‌توانی بر آنان اعتماد کنی؛ زیرا در پرتو آسایشی که تأمین کرده‌ای، قدرت و نیروی بیشتری برای مقابله با حوادث داری (ابن شعبه، ۱۳۸۲ش: ۲۱۱؛ ابن میثم، ۱۳۷۵ش: ج ۵، ص ۲۷۷).

۴.۴ پرهیز از فروش اموال مردم برای استیفای مالیات

مردی از قبیله ثقیف می‌گوید: علی بن ابی طالب (ع) به من فرمود: مبادا یهود یا نصرانی و یا مسلمانی را به سبب درهمی از خراج مورد ضرب و شتم قرار دهی یا چارپایی را که وسیله کار مردم است، برای (استیفای) درهمی از خراج بفروشی. همانا ما امر شده‌ایم که از مردم چیزهای افزون‌تر از نیازشان نگیریم (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش: نامه ۵۱).

۵.۴ تقویت انگیزه‌های ایمانی مردم

در قرآن، زکات و نماز همواره در کنار هم و به صورت دو رکن اصلی و عملی اسلام ذکر شده‌اند. امام علی (ع) نیز التزام به این دو را در کنار هم، برای پذیرش عملی اسلام لازم می‌شمرده‌اند. در روایتی از حضرت (ع) نقل شده است: «زکات واجب است و کسی که زکات ندهد، مانند رباخوار است، همچنین کسی که زکات مالش را ندهد، مسلمان نیست» (ابن حیون، ۱۳۸۵ش: ج ۱، ص ۲۴۷)؛ و در جای دیگر می‌فرمایند: مالیات‌ها نه تنها چیزی از اموال و دارایی مؤدیان نمی‌کاهد بلکه بر آن می‌افزاید (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش: حکمت ۲۵۲).

بر این اساس، امیر مؤمنان (ع) با بیان پاداش آخرتی و برکات دنیایی مالیات، مسلمانان را به پرداخت داوطلبانه آن تشویق می‌کردند و از این طریق، هزینه گردآوری مالیات و فرار مالیات را کاهش می‌دادند.

۶.۴ برخورد روانی و قانونی با متخلفان از مالیات

همان‌طور که کسانی که مالیات خود را می‌پرداختند از تشویق‌های امیر مؤمنان (ع) برخوردار می‌شدند، متخلفان از پرداخت آن، با برخوردهای روانی و قانونی تنبیه می‌شدند. از نظر

روانی، بدترین تنبیه برای متخلفان این بود که عموم مردم در مسلمان‌بودنشان تردید کنند. حتی در بعضی از روایات آمده است که حضرت(ع) به جنگ با متخلفان از مالیات امر کرده‌اند(ابن‌حیون، ۱۳۸۵ش: ج ۱، ص ۲۹۵).

۵. راه‌های مصرف مالیات

تکمیل‌کننده فرایند عدالت مالیاتی، نحوه مصرف آن است. در اسلام، همه درآمدهای مالیاتی در اختیار حکومت اسلامی و ولی امر مسلمین قرار می‌گیرد تا در هر موردی که مصلحت بدانند مصرف کند. البته برای هر منبع درآمدی، معمولاً موارد مشخصی در آیات و روایات تعیین شده است که در همان راه مصرف شود؛ اما مسئله قابل تأمل این است که امام علی(ع) مالیات هر منطقه یا شهر را در همان جا با توجه به شرایط و نیاز مردم مصرف می‌کردند و چنین نبوده است که همه مالیات‌ها را به مرکز حکومت بفرستند و در صورتی که مالیات‌ها اضافه می‌آمد، آن را به مرکز حکومت می‌فرستادند.

۱.۵ فقرا و مساکین

افرادی هستند که توان تأمین مخارج زندگی سالانه خود و عائله‌شان را ندارند.(هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ج ۱۹، ص ۴۸)

امام علی(ع) درباره آنان می‌فرماید: اینها کسانی هستند که کمک و بخشش به آنها لازم است (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ج ۵، ص ۳۳۸). ابن‌میثم نیز در این باره آورده است: کمک و بخشش به آنها باعث جلب‌نظر و پشتیبانی آنها از کسی می‌شود که به آنها یاری رسانده و به وسیله آنهاست که رحمت خدا نازل می‌شود و همواره برکت از جانب خدا به شهروندان می‌رسد، و به پاداش اخروی نائل می‌شود؛ بنابراین، از جهتی نیاز به این دسته از مردم، ایجاب می‌کند که آنها کمک شود، زیرا حضرت(ع) می‌فرماید: هر طبقه‌ای از مردم حقی درخور بر حاکم دارند و حاکم باید بدانند که رعایت حال هر یک از این گروه‌ها بر او لازم است؛ که نباید از آن غفلت ورزد(ابن‌میثم، ۱۳۷۵ش: ج ۵، ص ۲۶۶).

در اسلام، مهم‌ترین منابع مالی دولت(خمس و زکات)، وسیله‌ای برای رفع فقر نیازمندان قرار داده شده است. البته دولت اسلامی در حد توان خود، برای ریشه‌کن کردن فقر، مجاز است از سایر منابع مالی همچون خراج نیز استفاده کند. امام علی(ع) در این باره به مالک سفارش می‌کند:

برای رضای خدا، آنچه را از حق خود برای ایشان به تو امر فرموده است به جای آور و قسمتی از بیت‌المال را که در دست داری و قسمتی از غلات و بهره‌هایی را که از زمین‌های غنیمت اسلام به دست آمده است، برای ایشان مقرر بدار. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش: نامه ۵۳)

با توجه به آیه شریفه زیر، هر کسی حق دارد با انتفاع از ثروت‌های طبیعی، زندگی خوبی داشته باشد:

خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا. (بقره/۲۹)

آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید.

و یکی از راه‌های صرف مالیات این است که فرصت کار برای همه مردم فراهم شود، و هر کس فرصت لازم را به دست نیاورده یا از کار درمانده شده است، امکان بهره‌مندی و مشارکت در ثروت‌های طبیعی تا حد یک زندگی مرفه برایش تضمین شود. (صدر، ۱۳۵۷ش: ۳۲۵)

۲.۵ آموزش و پرورش

هرچند در نظام اجتماعی صدر اسلام، نظام رسمی آموزش و پرورش به شکل امروزی آن نبود و اصولاً در آن روزگار، دولت چنین وظیفه‌ای برعهده نداشت، از روایات گوناگون و تأکید فراوان بر آموزش و پرورش در اسلام، معلوم می‌شود که هزینه آن از موارد مصرف اصلی مالیات بوده است. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

ای مردم! به درستی که مرا بر شما حقی و شما را نیز بر من حقی است؛ اما حق شما بر من، خیرخواهی برای شما، افزون بر ثروت‌ها و آموزش‌تان است تا در نادانی نمانید و پرورش شما تا آگاه شوید. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش: خطبه ۲۴)

بنابراین، دولت موظف است تا جایی که امکان دارد آموزش‌ها را رایگان در اختیار افراد قرار دهد.

۳.۵ فرهنگ و ارشاد اسلامی

تغییر و اصلاح فرهنگ مردم و ترویج دین‌باوری، از اهم موارد اهداف حکومت اسلامی است و بی‌تردید، هزینه‌های فرهنگی، یکی از مصارف مهم مالیات به‌شمار می‌رود. این

مطلب در نامه پیامبر(ص) به عمر بن حزم انصاری به تفصیل بیان شده است (ابن هشام، ۱۹۹۸م: ج ۲، ص ۹۵).

امام علی(ع) برای مبلغان قرآن، حقوق سالانه‌ای به میزان دویست دینار یا چهار هزار درهم مقرر فرمود(تقفی، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ص ۳۱؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۲۵۵). برگزاری مراسم حج و زیارت حرم پیامبر(ص)، از امور بسیار مهم فرهنگی و مذهبی است که ولی امر مسلمانان به اجرای آن موظف است و در صورت لزوم، با هزینه مالیات، گروهی از مردم را به این مهم مأمور می‌کند.

۴.۵ سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی

توجه به عمران و آبادی شهرها و اصلاح معاش مردم، از وظایف اصلی حاکم اسلامی است؛ چنان‌که در نامه امام علی(ع) به مالک اشتر آمده است:

این دستوری است که بنده خدا علی، به مالک بن حارث اشتر در فرمانش به او صادر کرده است و این فرمان را زمانی نوشت که وی را زمامدار و والی کشور مصر قرار داد تا مالیات‌های آن سرزمین را گرد آورد، با دشمنان آن کشور بجنگد، به اصلاح اهل آن همت گمارد، و به آبادانی شهرها، قصبات، روستاها و قریه‌های آن پردازد. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش: نامه ۵۳)

در جای دیگری از این نامه آمده است:

در آبادی زمین بیش از کوشش در گردآوری خراج باشد؛ زیرا خراج جز با آبادانی به دست نمی‌آید و آن کس که بخواهد مالیات را بدون عمران و آبادانی بطلبد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند و حکومتش بیش از مدت کوتاهی دوام نخواهد داشت. (همان)

بدیهی است که وقتی وظیفه‌ای با این اهمیت برعهده حاکم نهاده می‌شود، هزینه آن نیز باید از مالیات‌های جمع‌آوری شده تأمین شود. از نمونه‌های عینی این عمل در صدر اسلام، دستوری بود که امام علی(ع) به کارگزار خود، قرظ بن کعب، نوشت و به او فرمان داد برای اصلاح و ایجاد نهر و آبرسانی به زمین‌های کشاورزی مردم اقدام کند و هزینه آن را از مالیات‌ها بپردازد(بلاذری، ۱۳۹۴ق: ج ۲، ص ۱۶۲؛ یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۲۰۳).

۵.۵ تأمین نیازهای خانواده‌های شهیدان

در نامه امام علی بن ابی طالب(ع) به مالک اشتر آمده است:

اگر یکی از سربازان و کسانی که با دشمنان تو مبارزه می‌کنند، به شهادت رسید، مانند یک وصی دلسوز و مورد اعتماد، جای او را پر کن، به گونه‌ای که اثر فقدان او در چهره آنان مشاهده نشود. (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق: ۹۵)

۶.۵ بازنشستگان و ازکارافتادگان

روزی حضرت امیر(ع) پیرمرد عاجزی را دید که تکدی می‌کند. فرمود: «او را به کار گرفته‌اید تا پیر و ناتوان شد و رهایش کرده‌اید؟! از درآمد مالیات‌ها به او انفاق کنید» (طوسی، ۱۳۶۳ش: ج ۶، ص ۲۹۲)

همچنین آن حضرت(ع) در نامه خود به مالک اشتر فرمود:

درباره یتیمان و پیران ازکارافتاده که هیچ راه چاره‌ای ندارند و نمی‌توانند دست نیاز خود را به سوی مردم دراز کنند، بررسی کن! البته این کار بر زمامدار سنگین است؛ ولی حق، همه‌اش سنگین است! (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش: نامه ۵۳)

۷.۵ مخارج زندانیان

امام علی(ع) هرگاه مجرمی را زندانی می‌کرد، دستور می‌داد از منبع مالیات‌ها بر او انفاق کنند: کسی که به حبس ابد زندانی شود، از مالیات‌ها ارتزاق می‌کند. (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ص ۲۰۷)

۸.۵ کارگزاران مالیات

یکی دیگر از راه‌های مصرف مالیات، پرداخت مزد کارگزارانی است که به جمع‌آوری مالیات، و حفظ و حسابداری آن اشتغال دارند. (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ج ۱۹، ص ۴۹). امام خمینی(ره) نیز در این باره نوشته‌اند: مأموران جمع‌آوری مالیات، که از ناحیه امام(ع) و یا نایب آن حضرت(ع) برای گرفتن و ضبط و حساب مالیات استخدام می‌شوند، سهمی در برابر عملکرد خود دارند هرچند که بی‌نیاز باشند (امام خمینی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ص ۸۷).

۹.۵ آزادی بردگان

از جمله راه‌هایی که اسلام برای آزادی بردگان قرار داده، استفاده از مالیات است که برای خرید و رهایی آنان به مصرف می‌رسد. (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ج ۱۹، ص ۴۸)

۱۰.۵ بدهکاران

کسانی هستند که قدرت پرداخت بدهی خود را ندارند (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ج ۱۹، ص ۴۸). البته وقتی جایز است که شخص بدهکار در مسیر معصیت و یا اسراف بدهکار نشده باشد؛ و داشتن خرج سال، مانع از گرفتن مالیات برای پرداخت دین نیست. (امام خمینی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ص ۸۹؛ شهید ثانی، ۱۳۸۹ش: ج ۳، ص ۶۴؛ شیخ منتظری، ۱۴۱۳ق: ۳۴۲).

۱۱.۵ اصلاح و تقویت نیروهای مسلح

از جمله موارد مصرف مالیات، افزون بر استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی است؛ زیرا تا دولت بودجه و سرمایه در اختیار نداشته باشد، نمی‌تواند نیروهای مسلح را جذب، تأمین و به سلاح‌های پیشرفته مجهز کند و با نبود نیروهای مسلح، استقلال سیاسی حاصل نمی‌شود (آقائظری، ۱۳۸۲ش: ۱۵۱).

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: سپاهیان اسلام جز به خراج رعیت که با آن برای جهاد با دشمن تقویت شوند و برای اصلاح امور خویش، به آن تکیه کنند و نیازهای خود را برطرف سازند، پا نمی‌گیرند (ابن شعبه، ۱۳۸۲ش: ۱۹۳؛ ابن میثم، ۱۳۷۵ش: ج ۵، ص ۲۶۵). اگر خراج نباشد، نیروهای مسلح باید برای تأمین زندگی در پی شغل و کار باشند؛ در نتیجه، آمادگی جهاد با دشمن از بین می‌رود (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ج ۲، ص ۲۵).

۱۲.۵ ایجاد رفاه عمومی

از جمله راه‌هایی است که مالیات در آن صرف می‌شود؛ تا جامعه اسلامی از رفاه مناسبی برخوردار باشد و این رفاه عمومی از وظایف حاکم است (صبحی صالح، ۱۴۲۰ق: ۷۹). پس بالابردن درآمد و رفاه مردم، مستلزم اقتصادی بالنده و در حال رشد و مدیریتی صحیح در هزینه‌کردن مالیات‌هاست.

۶. نتیجه‌گیری

اصل عدالت مالیاتی، ابتکار امام علی (ع) در تاریخ اندیشه سیاسی بشری است. آن حضرت (ع)، نخستین نظریه پرداز سیاسی در تاریخ اندیشه سیاسی بشری است که تفکر

«عدالت مالیاتی» را مطرح فرموده و برقراری آن را وظیفه دولت دانسته و آن را در «تأمین نیازهای اساسی تمامی شهروندان» ضروری شمرده‌اند. از این رو، این دیدگاه را باید از دیدگاهی که در آن عدالت مالیاتی جهت «ایجاد برابری» میان افراد جامعه و یا دیدگاهی که در آن عدالت مالیاتی برای «کاهش فاصله طبقاتی» میان اقشار و طبقات جامعه، ضروری اعلام شده است، متمایز کرد. امام علی(ع) در تعیین مقدار مالیات‌ها و راهکارهای وصول مالیات بسیار دقت می‌کردند که در حق هیچ‌یک از شهروندان ظلمی روا نشود. ایشان بارها به مأموران وصول مالیات تذکر می‌دادند که حد و حدود را رعایت کنند و هیچ‌گاه لوازم و مایحتاج ضروری افراد را به‌عنوان مالیات از آنها نگیرند. آن حضرت(ع) مبنای اخذ مالیات را رضایت همه شهروندان قرار دادند، آن‌چنان‌که همه مالیات‌دهندگان از پرداخت آن احساس رضایت کنند.

امام علی(ع)، پس از گردآوری مالیات، برای مصرف کردن آن نیز تمامی جوانب را می‌سنجیدند تا مالیات گردآوری‌شده در همه امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موردنیاز و در نتیجه در جهت آبادانی و پیشرفت تمامی آحاد جامعه صرف شود؛ و این، از بارزترین خصوصیت رهبری و مدیریت این امام گرانقدر است که تسلطی جامع به تمامی اقشار، آحاد و طبقات کشور داشتند و هیچ‌گاه تک‌بعدی و به قشر خاصی محدود نبودند.

منابع

- قرآن کریم (۱۴۱۵ق). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- آقائیزی، حسن (۱۳۸۲ش). *مالیات اسلامی*، چاپ دوم، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ابن ابی‌الحدید، عزالدین (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه*، به تحقیق ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قاهره: دارالاحیاءالکتب العربیه.
- ابن اثیر جزری، مبارک محمد (۱۴۲۶ق). *النهایه فی غریب‌الحديث و اثر*، به تحقیق طاهر احمد زواری و محمود محمد طنامی، چاپ چهارم، قم: انتشارات دار تفسیر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۷ش). *من لایحضره الفقیه*، به تحقیق علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، قم: سمت.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ش). *دعائم الاسلام*، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).
- ابن سینا (۱۳۷۵ش). *الاشارات والتنبيهات*، چاپ دوم، قم: نثر البلاغه.
- ابن سینا (۱۴۳۰ق). *الاهیات من الشفاء*، چاپ سوم، قم: ذوی‌القربی.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

- ابن عساکر، علی بن حسین (۱۳۸۴ش). الامام زین العابدین علی بن حسین، به تحقیق محمدباقر محمود، چاپ دوم، قم: دلیل ما.
- ابن مطهر، حسین بن علی (علامه حلی) (۱۴۱۵ق). تذکره الفقهاء، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البیت الحیاء التراث. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان عرب، چاپ دوم، بیروت: دار صادر.
- ابن میثم بحرانی، کمال الدین (۱۳۷۵ش). شرح نهج البلاغه، ترجمه حبیب الله روحانی، چاپ اول، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابن هشام (۱۹۹۸م). سیره النبویه (سیره ابن هشام)، ری: مکتبه العییکان.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). کتاب خمس، چاپ اول، قم: مؤتمرالعلمی.
- بروجردی، آقاحسین (۱۳۸۶ش). جامع الاحادیث شیعه، چاپ دوم، تهران: فرهنگ سبز.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۴ق). انساب الاشراف، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- بیهقی دبیر، ابوالفضل بن محمد (۱۳۷۸ش). تاریخ بیهقی، تهران: مهتاب.
- تقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵ق). الغارات، تهران: انجمن آثار علمی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸ش). ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جمشیدنژاد، غلامرضا (۱۳۸۵ش). نظام های اقتصادی صدر اسلام، ترجمه عبدالحسین جلالی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- حائری، مرتضی (۱۴۱۸ق). خمس، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حسینی، جعفر و قاضی زاده، محمد (۱۳۸۰ش). اقتصاد در اسلام، چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامی.
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۰ش). الحیاه، ترجمه احمد آرام، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خمینی (۱۳۷۹ش). تحریر الوسیله، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دارالعلم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش). فرهنگ لغت، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). ارشاد قلوب الی صواب، چاپ اول، قم: شریف رضی.
- ذهنی تهرانی، محمدجواد (۱۳۷۱ش). مباحث الفقهیه فی شرح روضه البهیة، چاپ اول، تهران: وجدانی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵ش). المفردات الغریب القرآن، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، چاپ سوم، تهران: انتشارات مرتضوی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۰ش). مبانی حکومت اسلامی، ترجمه داوود الهامی، چاپ اول، قم: توحید.
- شرقی، محمد علی (بی تا). قاموس نهج البلاغه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- شهابی، محمود (۱۳۷۲ش). ادوار الفقه، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شهید ثانی (۱۳۸۹ش). شرح لمعه، ترجمه علی شیروان و محمدمسعود عباسی، چاپ هفتم، قم: دارالعلم.
- شیبانی، محمد بن حسین (۱۴۱۳ق). رساله فی خراج، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- صبحی صالح (۱۴۲۰ق). شرح نهج البلاغه، به تحقیق علی نقی فیض الاسلام، چاپ اول، قم: هجرت.
- صدر، محمدباقر (۱۳۵۷ش). بررسی هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، چاپ دوم، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.

- طباطبائی، محمدبن حسین (۱۳۷۴ش). *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ بیست و یکم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین*، به تحقیق سید احمد حسینی، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسین (۱۳۶۳ش). *المبسوط*، چاپ اول، تهران: مرتضوی.
- عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴ش). *قرآن و اقتصاد*، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عبده، محمد (۱۳۷۸ش). *شرح نهج البلاغه*، چاپ اول، تهران: مؤسسه الاعلی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *العین*، چاپ دوم، قم: هجرت.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کرکی عاملی، حسین بن علی (۱۴۱۳ق). *خراجیات*، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- کرمی، محمد مهدی و عربی، هادی (۱۳۷۷ش). *مبانی اقتصاد*، چاپ اول، تهران: سمت.
- کلاتری، علی اکبر (۱۴۱۶ق). *جزیه و احکامها*، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹ش). *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، چاپ اول، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ش). *اسلام و مقتضیات زمان*، چاپ اول، قم: صدرا.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۷ق). *فی ضلال نهج البلاغه*، چاپ اول، بیروت: دارالعلم.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *الامالی*، چاپ دوم، بیروت: دارالمفید للطباعه والنشر والتوزیع.
- منتظری (۱۴۱۳ق). *احکام شرعی*، چاپ اول، قم: تفکر.
- منور، اقبال طریق الله خان (۱۳۸۸ش). *تأمین مالی مخارج دولت از دیدگاه اسلام*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۱۸ش). *فرهنگ نفیسی*، تهران: نشر رنگین.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- نهج البلاغه* (۱۳۷۹ش). ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، قم: مشهور.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق). *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، ترجمه حسن حسن زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، چاپ اول، تهران: مکتب الاسلامیه.
- هومن، محمد (۱۳۵۶ش). *فرهنگ لغت و اصطلاحات اقتصاد اسلامی*، تهران: وزارت برنامه و بودجه.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر.